

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

الکساندر ساوچنکو (Alexsandr Savchenko)

برگردان و پی نوشت: ا.م. شیری

۲۱ دسمبر ۲۰۱۳

## مربیان امریکائی ویتالی کلیچکو

این دیگر به یک سنت در اوکراین مستقل تبدیل شده، که هیچ وزارتخانه یا اداره دولتی، هیچ حزب سیاسی دارای نماینده در مجلس، غیر از حزب کمونیست، وجود ندارد که در آنجا «امریکائیان آرام»، یا المانیها راه و رسم اداره این کشور را به سیاستمداران و مقامات اوکراین نشان ندهند.

و اگر ویتالی کلیچکو به مقام ریاست جمهوری اوکراین برسد، مشکل بتوان این سنت را منسوخ کرد. حتی آنوقت این بیماری در تمام ابعادش عود خواهد کرد. با فقدان هر گونه دانش ضروری برای اداره دولت، کلیچکو ناگزیر به یک اسباب بازی در دست آن کسانی بدل خواهد شد، که او را به قلعه هرم دولتی هل می دهند و در پشت «تاج و تخت» او پنهان می شوند. مشاوران امریکائی هم که حزب «ضربه» را اداره می کنند، جزو آنها خواهند بود. جالب توجه است، که این مشاوران ظاهر کارکنان شرکتی هستند که در تماسهای کلیچکو با کنگره و سازمانهای دولتی امریکا نقش واسطه را بازی می کنند، و همچنین، در مقر او به عنوان مشاور در امور سازماندهی انتخابات ریاست جمهوری پیش از موعد اوکراین به فعالیت مشغولند...

در زمانهای اخیر، به گفته راستیسلاو پاولنکو، ستراتیژیست سیاسی حزب «ضربه»، حزب با شرکت امریکائی PBN که در عرصه کار به اصطلاح تخصصی ارتباطات ستراتیژیک در بازارهای روسیه، اوکراین و سایر کشورهای مشترک المنافع مشغول است، کار کرده است. همانطور که در تارنمای PBN ذکر شده، عرصه های کلیدی کار شرکت عبارتند از «ارتباطات سازمانی و بحرانی؛ رابطه با جامعه و همکاری با ساختارهای دولتی؛ تأمین مالی ارتباطات و رابطه با سرمایه گذاران».

با توجه به این که اشخاصی مثل گنورگی آگانوف، سخنگوی مطبوعاتی سابق میخائیل گوربچوف، و برنارد ساچر، رئیس هیأت مدیران شرکت سرمایه گذاری «آلفا-کاپیتال» عضو هیأت مدیره PBN هستند، کاملاً می توان گمان کرد، که PBN یکی از آن ساختارهای غربی است که مثل زالو به جمهوریهای پسا شوروی چسبیده و با استفاده از رابطه خود با مقامات عالیرتبه دولتی و کار و کسب بزرگ، از این جمهوریها به بانکهای امریکائی پول پمپاژ می کند.

دفتر این شرکت را در اوکراین، مایرون واسیلیک، تبعه امریکا، کارمند اسبق وزارت امور خارجه، عضو هیأت ناظران بنیاد «آوراسیا» مرتبط با سازمان جاسوسی امریکا، عضو هیأت ناظران مرکز بین المللی مطالعات امیدبخش، که با پول جورج سورس تأسیس شده، اداره می کند. تهیه متن پیشنهاد قرارداد منطقه آزاد تجاری بین

اوکراین و اتحادیه اروپا، که رئیس جمهور اوکراین آن را به عنوان تهدید منافع ملی کشور ارزیابی کرد، اتفاقاً، یکی از خدمات این مرکز می باشد.

ماریا اینوا، نماینده مجلس اعلای اوکراین (رادا) از حزب «ضربه» از سال ۲۰۱۲، همسر واسیلیک است. واقعاً هم درک این مسأله مشکل است، که به ازای کدام خدمات او از جایگاه یک کارفرمای کوچک و مشاور نماینده مجلس در سال ۲۰۰۵، ناگهان به جایگاه مشاور رئیس جمهور اوکراین (!) و سپس، به مقام کارمند دفتر او ارتقاء پیدا کرد. برای درک این واقعیت، لازم است بدانیم رئیس دفتر PBN بعد از «انقلاب نارنجی» در اوکراین چه امکاناتی در اختیار داشت.

پس از تأسیس حزب «ضربه»، شرکت PBN به کار با تیم ویتالی کلیچکو مشغول شد، رابطه او را با کاخ سفید، کنگره، وزارت خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا کمک تنظیم کرد. دیدار رئیس حزب و معاون او از واشنگتن را شرکت PBN سازمان داد. اتفاقاً همین شرکت بود که کلیچکو را که برخورد عصبی به ویژه به هر چیز مرتبط با روسیه وجه تمایز او می باشد، به سناتور جان مک کین، و همچنین، به تعدادی از کارکنان وزارت خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا وصل کرد.

رئیس دفتر کمپانی PBN در اوکراین، ضمن کمک به ویتالی کلیچکو در برقراری روابط لازم با ساختارهای آمریکائی، اساساً به فیونا هیل، آشنای قدیمی و همکار سابق خود در بنیاد «آرآسیا»، وابسته به ارتجعی ترین جناح نئومحافظه کاران آمریکا متکی بود. از قضا او بعد از حمایت همه جانبه از اقدامات و هابیون در چین، توجیه حادثه تروریستی در بیسلان، و سخنرانی در جلسه استماع کنگره آمریکا علیه شناسائی گروه اسلامگرای «حزب التحریر» به عنوان گروه تروریستی شهرت یافت. در سالهای ریاست جمهوری جورج بوش کوچک، فیونا هیل در مقام کارشناس ارشد مسائل روسیه و آسیا در شورای امنیت ملی آمریکا انجام وظیفه می کرد. او پیوند تنگاتنگی با مهاجران اوکراینی دارد و خود را دوست بزرگ اوکراین می شمارد (البته فقط بخش ناسیونالیستی آن).

بدین ترتیب، اگر ویتالی کلیچکو در مسند ریاست جمهوری بنشیند (و واشنگتن، صرفنظر از این که گونه های آرسن یاتسنیوک و اولگ تیاگنیکو چقدر گل بیندازد، در هر حال، به این راه سوق می دهد)، امکانات شرکت PBN حداقل کمتر از دوره ریاست جمهوری ویکتور یوشنکو در اوکراین نخواهد بود. ممکن هم هست، نه، زیرا، به گفته کوست باندارنکو، متخصص علوم سیاسی اوکراین، حزب «ضربه» به تازگی با کمپانی دیگر آمریکائی - Greenberg Quinlan Rosner (GQR) همکاری می کند.

کمپانی Greenberg Quinlan Rosner (GQR) یک شرکت باز هم بزرگتر در زمینه ارائه خدمات مشاوره است، که در بیش از ۸۰ کشور جهان فعالیت می کند. به همان کارهایی که شرکت PBN انجام می هد، مشغول است. اما شاید، وجه تمایز عمده GQR با کمپانی PBN این باشد که اساساً همچون تشکیلات مایرون و اسیلیک به سمت حزب دمکراتها بیشتر تمایل نشان می دهد تا حزب جمهوریخواهان آمریکا.

تصمیم به تعویض یک مربی آمریکائی با دیگری، احتمالاً به این دلیل بود، که هر چه کارها در جهت انتخابات ریاست جمهوری اوکراین بیشتر پیش می رود، همانقدر حزب «ضربه» بیشتر می فهمد، که ویتالی کلیچکو باید پیش از همه به دمکراتهای آمریکا اتکاء نماید تا او را در سال ۲۰۱۵ در کاخ سفید «هدایت» کنند. بدین ترتیب، سمتگیری به طرف GQR که هنگام کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا از بیل کلینتن و در دوره بعدی، از آنگور حمایت کرد و در انتخابات کنگره و انتخاب رؤسای ایالات به کمک حزب دمکرات شتافت، یک گام منطقی بود.

حضور کمپانی GQR در اوکراین و البته، در همه حریم پسا شوروی تازگی ندارد. مثلاً، در سال ۲۰۰۷، این کمپانی با «حزب اوکراین ما» همکاری می کرد. این همکاری نتایج رقت انگیزی برای حزب در پی داشت. اما، ظاهراً،

روابط قبلی در انتخاب همکار جدید برای حزب «ضربه» نقش داشتند. اگر چه کارزار انتخاباتی قبلی کمپانی GQR در اوکراین با عدم موفقیت روبه رو شد، اما، به نظر می رسد لحظه های به یاد ماندنی از همکاری در حافظه شرکای اوکراینی و امریکائی باقی مانده است. آنها می توانند با «قطع» بودجه کارزار انتخاباتی حزب سرگرم باشند. چه کسی می داند؟ رمز و رازهای بزرگی در فنون سیاسی هر تیم منسجم هم می تواند وجود داشته باشد.

علاوه بر این، کمپانی GQR موفقیت‌هایی هم در کار تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی در یکسری از کشورها، از جمله در رومانی، آلمان و انگلستان، جایی که رابطه GQR با محافل دولتی و سیاسی کما فی السابق حفظ شده، به دست آورده است. و این، محدوده امکانات GQR در ارائه خدمات به رئیس جمهور آینده اوکراین را مشروط بر این که همه امور بر وفق مراد ویتالی کلیچکو پیش برود، تا حد محسوسی گسترش می دهد. حداقل برای مدت معینی. کمپانی GQR چگونه میخائیل ساکاشویلی را به قدرت رساند، و سپس راه و رسم امریکائی اداره گرجستان را به او آموخت، در اینجا، در گرجستان جلو چشم ماست.

همه اینها چه ارمغانی برای اوکراین به همراه خواهند آورد، هنوز گفتن آن دشوار است. ممکن است، اوکراین نیز همچو گرجستان یک میدان انقلاب دیگر از سر بگذراند. اما نباید به این عادت کرد. برای این که ابقاء یا تعویض مریدان امریکائی در همه حال، فقط یک نتیجه در پی دارد و آن، آسیب دیدن کشوری که این مریدان «طرز زندگی» را به آن می آموزند.

ویتالی کلیچکو در حضور جون مک کین.

### پی نوشت مترجم:

در باره حوادث روزها و هفته های اخیر اوکراین، که به دنبال برگزاری اجلاس شورای امنیت و همکاری اروپا در کیف در اول ماه دسمبر و امتناع دولت اوکراین از امضای توافقنامه ایجاد منطقه آزاد تجاری بین اتحادیه اروپا و اوکراین شروع شد، صدها مقاله و مطلب به زبانهای مختلف، به خصوص، به زبان روسی نوشته و منتشر شده و همواره در صدر اخبار و گزارشات رسانه های جمعی بوده است. این حجم عظیم مطالب و گزارشات مختلف را به جرات می توان با حجم تحلیل و ارزیابی ها از هجوم غرب و ناتو به یوگسلاوی، افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه مقایسه کرد.

از میان همه این مطالب، به نظرم، علاوه بر مقاله حاضر، دو مطلب بیش از همه جالب توجه است. اولی، نوشتاری است به قلم آقای محمد چابکی با عنوان «تخریب مجسمه لنین، مشکل اجتماعی اوکراین را حل نمی کند!» در این نشانی: «<http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=57193>» و دومی، نامه دبیر کل حزب کمونیست اوکراین به احزاب کمونیست جهان است تحت عنوان «تلاش اتحادیه اروپا برای تغییر رژیم در اوکراین» در این نشانی «<http://www.tudehpartyiran.org/2013-12-03-22-37-25/2362-2013-12-17-11-12-06>».

مقاله آقای چابکی را صرف نظر از این که به مداخلات گسترده خارجی در حوادث اوکراین نپرداخته، شاید بتوان یکی از جامع ترین و کاملترین تحلیل و بررسیها از این حوادث دانست. اما نامه دبیر کل حزب کمونیست اوکراین به احزاب کمونیست جهان را با توجه به این که فقط نصف حقیقت را بیان کرده (بی توجهی رژیم حاکم به خواسته های توده ها و سرپیچی از برگزاری همه پرسی پیشنهادی حزب کمونیست) و بر نصف دیگر حقیقت (مداخلات گسترده خارجی)، به طور کلی چشم فرو بسته و تنها دولت اوکراین را مسبب و مقصر حوادث پیش آمده می داند، در واقع می توان در ردیف سنگین ترین ضربات به افکار عمومی، هم در داخل و هم در خارج از اوکراین رده بندی کرد. چرا که بیان

نصف حقیقت و کتمان نصف دیگر آن بی هیچ توضیح و تفسیر اضافی، به معنی گریز از واقعیت و چشم پوشی بر تمام حقیقت است.

در همه حال، نمی توان این واقعیت را از نظر دور داشت، که امروز جمهوری اوکراین یکی دیگر از آوردگاههای دو قطب سیاسی- اقتصادی- اجتماعی جهان: قطب غرب، متشکل از امپریالیستهای امریکا، اروپا و اقمار و مستعمرات کهنه و جدید آنها در یک طرف و در طرف دیگر، قطب در حال تکوین و تکامل «شرق» با نقش آفرینی روسیه و چین است. حضور بسیاری از وزراء، وکلاء، مقامات دولتی و حزبی و حتی همه سفرای کشورهای قطب اول در جمهوری اوکراین، از جمله، سناتور فاشیست امریکا، یکی از قاتلان مردم ویتنام، جان مک کین، گیدو وستروله وزیر خارجه آلمان و بسیاری دیگر در میان معترضان ناسیونالیست و غربگرای اوکراین و نطقهای آتشین آنها در تجمعات معارضان، همچنین، پرچمها، نشانها، سمبلها و آرمهای فاشیسم و اتحادیه اروپا در دستها و سینه های معارضان، این مدعا را ثابت می کند.

اما ویتالی کلیچکو «رهبر» اعتراضات اخیر در اوکراین که نویسنده همین مقاله روابطه او با نهادها و مؤسسات امریکائی را مورد بررسی قرار داده، کیست؟ او یک بوکسور سنگین وزن اوکراینی و قهرمان رشته های بوکس و کیگ بوکس کشور و جهان و معلم ورزش است. ویتالی کلیچکو ۴۳ سال دارد و از سال ۲۰۰۳ یک بنگاه خیریه به نام «بنگاه خیریه برادران کلیچکو» را اداره می کند. حجم پول صرف شده این «بنگاه» برای «امور خیریه»، به نوشته مطبوعات اوکراین، به میلیونها دالر بالغ می شود. اگر چه او کاری به سیاست نداشت، ناگهان در «انقلاب نارنجی» سالهای ۲۰۰۴-۲۰۰۵ شرکت کرد و پس «پیروزی» ویکتور یوشچنکو، بلافاصله به مقام مشاور رئیس جمهور اوکراین برگزیده شد. پس از تأسیس حزب «ضربه»، در سال ۲۰۱۲ به نمایندگی از این حزب به مجلس قانونگذاری اوکراین راه یافت. هم اکنون ریاست فراهسیون حزب «ضربه» در مجلس ملی اوکراین را بر عهده دارد.

نقش آفرینی ویتالی کلیچکو در حواث اوکراین، بار دیگر این واقعیت را تأیید می کند که امروز ورزش نه تنها در خدمت تندرستی اجتماعی نیست، بلکه، به یک ابزار تحمیق نسلهای جوان جان بدر برده از حمله مافیای مواد مخدر و به یک وسیله بسیار پر سود برای سرمایه داران «بی کارخانه» تبدیل شده و خود ورزشکاران عمدتاً به خدمت مافیای جنایات سازمانیافته، به ویژه، تشکیلات جهنمی فراماسونری- صهیونیستی در آمده اند. در همین رابطه، ترکیب تیمهای ورزشی، خرید و فروش ورزشکاران، برگزاری مسابقات پیاپی ورزشی- از بازیهای المپیک (تابستانی و زمستانی) گرفته تا مسابقات شهری، استانی، کشوری، منطقه ئی، قاره ئی و جهانی بسیار قابل تأمل است.

<http://www.fondsk.ru/news/2013/12/17/amerikanskie-trenery-vitalija-klichko->

[24648.html](http://www.fondsk.ru/news/2013/12/17/amerikanskie-trenery-vitalija-klichko-24648.html)

۲۹ آذر- قوس ۱۳۹۲